



متهم که دکل نیست!

فؤاد آگاه: ما معتقدیم، مشکل اصلی جامعه امروز، نه فضای مجازی، بلکه «پای فضای مجازی است! شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی که چیز بدی نیستند و از دیدگاه همه کارشناسان، مسئولان و کارشناس – مسئولان محترم، سبب بالا بردن قدرت مطالبه‌گری و شفاف‌سازی می‌شوند. یعنی این «پای فضای مجازی است که یا بی‌اجازه، می‌رود توی کفش دیگران و یا اینکه از گلیتمش درازتر می‌شود و دردسر درست می‌کند! نمونه‌اش همین ماجرای ام‌محمدادی رضوی» متهم فساد میلیاردی در پرونده بانک سرمایه که کاربران فضای مجازی پایشان را از گلیتمشان درازتر کرده و می‌پرسند: چرا این متهم، مفسد، لباس زنان نمی‌پوشد و با لباس شخصی به دادگاه آورده می‌شود؟ خب وقتی آقای متهم، با گذاشتن وثیقه ۱۰۰ میلیاردی، آزاد شده، معلوم است که با لباس شخصی به دادگاه آورده می‌شود. نکته مهم اینجاست که پس از سال‌ها، توی مملکت، یک متهم، مفسد اقتصادی پیدا شده که مثل دکل نیست! وثیقه می‌گذارد، با پای خودش به دادگاه می‌آید، به کانادا نمی‌رود و مثل دکل‌های نفتی که گفتیم ناپدید هم نمی‌شود، سرمایه‌گذار فرهنگی است و صد جور محسنات و تفاوت با دیگر مفسدان و متهمان دارد! آن وقت ما قدر چنین متهمی را نمی‌دانیم و در فضای مجازی گیر می‌دهیم که چرا لباسش راه راه نیست؟ چرا پول بانک‌ها را هاپولی کرده؟ چرا تهیه‌کننده فلان سریال بوده و از این حرف‌ها، یک یار متهمی پیدا شده که نه جعبه سیاه دارد، نه مدیرعامل فلان بانک بوده و نه چه و چه... حالا اگر «پای فضای مجازی گذاشت او را بی‌حاشیه و جنجال محاکمه کنیم!

ربّنا و رطب

بگذار از سر متولد شوم

رقیه توسلی: «انا انزلناه فی لیلۃ القدر»... دست‌ها را می‌برم بالا. رو به شما که پدرید، مادرید، در خواب و بیداری‌ام سه‌پهیمید، در نگاهم، در نفسی که می‌کشم! ان‌کم... چه بگویم از روی خوشتان... وقتی که می‌خوانم «فاتی قریب اجیب دعوه الداع اذا دعان»...چه بگویم از خبر وافتران... وقتی که می‌خوانم «لیلۃ القدر خیر من الف شهر»... وقتی می‌شنوم فرشتگان تا کائنات و بنی‌ادم فرود می‌آیند در شبی که در راه است. کریم! بگذار پناه ببرم به اشک. بگذار خودم را بسپارم به سوره «دخان». دست به دامن جوشن، کبیر بشوم. یارب یارب بروم تا خالی روشن‌تر آن قدر که شیطانی در من نماند. بگذار در شب قدرت، دوباره متولد بشوم!

شاهد عینی- قسمت یازدهم

انک‌نگاری‌های‌علی‌نور آبادی‌از سفر به «معمولان»

خانه نزدیک دریا

گاه در فاصله جابه‌جایی‌ها، تالاب رودخانه می‌رفتیم و قدمی می‌زدیم، رودخانه به اندازه چند خانه پایین‌تر بود و صدای خروشنش از وسط کوچه شنیده می‌شد. چهره هولناک‌تر سیل را تازه در ساحل می‌شد دید. نزدیک‌ترین خانه‌ها تنها چهار، پنج متر با رودخانه فاصله داشتند. سه، چهار خانه اول همه کوچک‌ها به طور کامل تخریب شده و فقط زمین صاف مانده بود! اما بیشتر خانه‌ها نیمه مخروبه شده و آثارشان قابل مشاهده بود. دیوارهای افتاده، سقف‌های ریخته و تیرآهن‌های سرگردان که مانند جنگل درندهای بیرون زده، وسایل و تجهیزات شکسته و... یکی از خانه‌ها از ارتفاع دو متری به سمت رودخانه کج شده بود، انکار که از لبه پرتگاهی آویزان باشد، یکی از ضلع‌هایش کامل جدا شده و ریخته و خانه همان طور معلق و بلا تکلیف مانده بود. این خانه‌ها به هیچ‌وجه قابل بازسازی و سکونت نبود و باید کامل تخریب می‌شدند. برخی را می‌بینی، خانه‌شان کامل زیر آب رفته است، اما هنوز مرددند و می‌گویند: «شاید رفته بالا و دیگه این خانه را نساختم». حالا و با این سیل، ساخت و‌ساز در اینجا دیوانگی به نظر می‌رسد. بازسازی و سکونت در این بخش از شهر به هیچ‌وجه عقلانی و منطقی نیست و ساکنان این منطقه باید به جای دیگری منتقل شوند. سیل امسال به خیر گذشت، اما چه کسی می‌داند سیل بعدی کی می‌آید و چه اتفاقی ممکن است بیفتد؟ آدم‌ها در حوادث طبیعی، تقصیرها را گردن سیل و زلزله و آتش‌سوزی می‌اندازند. درست است این حوادث همیشه بوده و هست، اما ما معمولاً برای اینکه اشتباه‌ها و غفلت‌های خودمان را بپوشانیم، به این چیزها چنگ می‌اندازیم. از دور می‌شنویم به علت بارش‌ها رودخانه طغیان کرده و شهر زیر سیل رفته است، اما واقعیت‌های دیگری هم هست. وقتی به اصول اولیه ساخت و‌ساز بی‌توجهیم، وقتی تا چهار متری رودخانه، خانه می‌سازیم چه انتظاری می‌توانیم داشته باشیم؟ نیاز به سیل نیست، با هر موج رودخانه، آب تا اتاق خواب ما راه پیدا می‌کند. بیشتر خانه‌ها فقط با روی هم گذاشتن آجرها و مالیدن مشی گل وسط آن‌ها سر پا شده بود. این خانه‌ها با یک طعنه رودخانه تخریب می‌شوند.



گفت‌وگوی قدس با مجتبی کشاورز تهیه‌کننده ویژه برنامه رضانی شبکه یک

«دعوت» به خانواده ، سر سفره افطار

آسوشیتدپرس متهم کرد، فدراسیون توضیح داد

جنجال دوپینگ

برای دونده طلایی ایران

امید نورافکن در گفت‌وگو با قدس:

لیگ نوزدهم زمان

قهرمانی استقلال است

امید نورافکن در فصل هجدهم همواره عصای دست وینفردشفر بود. امید در چند پست مورد استفاده قرار گرفت و هر گاه که وارد ترکیب شد، کوشید بهترین عملکرد ممکن را داشته باشد. خیلی‌ها اعتقاد دارند که اگر نورافکن

از ابتدای فصل در ترکیب استقلال حضور داشت، شاید نتایج طور دیگری رقم می‌خورد اما جدایی او از استقلال و پیوستن به تیم شارلورای بلژیک موجب شد او نیم فصل از استقلال دور شود. هرچند که این

وضعیت همچنان میان استقلال و نورافکن وجود

دارد و مشخص نیست که این بازیکن در

استقلال لیگ نوزدهم حضور داشته باشد،

یا نه. با نورافکن گپ متفاوتی می‌زنیم.

او از کودکی‌اش می‌گوید. از روزهایی

که به سختی فوتبالست شد و حالا

به یکی از مردان درجه یک فوتبال

ایران بدل شده است. نورافکن آن

روزهای سخت را برای‌مان بازگو می‌کند...

از عملیات رسانه‌ای وزیر

تا قانع نشدن اعضای کمیسیون فرهنگی

خبری از رأی اعتماد نیست!

مجاز آباد

«دولت جوان و حزب‌اللهی» داغ شد

صحبت‌های رهبری در ارتباط با لزوم

روی کار آمدن یک دولت جوان و حزب

اللهی در دیدار با دانشجویان، موجب شد

کاربران فضای مجازی هشتک #دولت_

جوان و _حزب‌اللهی را در توئیتر داغ

کنند. نمونه‌هایی از پیام‌های منتشر شده

توسط کاربران را می‌خوانید: «فقت کنیم

دولت جوان حزب‌اللهی و نه هر جوانی! مراقب باشیم این بار دیگر گنجشک را

جای قناری به ملت نیندازند... برخورد سطحی و بدون بیش سیاسی با کلام

رهبری یعنی همین که عده‌ای شروع به معرفی گزینه‌ها کرده‌اند! زمینه‌سازی

یعنی فراهم کردن شرایط اعتماد مردم، طوری که راه‌حل مشکلات را در رأی

دادن به نامزد جوان و حزب‌اللهی و انقلابی و جوان ببینند؛ معرفی نامزد مرحله آخر

است، نه اول!»

کی بود، کی بود، من نبودم!

یکی از دانشجویان حاضر در دیدار رهبری

با دانشجویان با انتشار رشته تویتی در

صفحه شخصی‌اش، روایتی از این دیدار

منتشر کرد. «محمد حجتست» دراین

باره نوشت: «دختر دانشجویی در نطق

پُرلغات از پیروزی جنگ با جوانان ۲۰

ساله و شکست در اقتصاد با پیمردهای

۶۰ ساله گفت که موجب شد تمامی جمعیت حسینی به برای او کف بزنند.

دانشجوی دیگری از مسئولان حاضر در جلسه پرسید «آیا مالیکد که برای

آزاده‌هایتان نیز پراید ۶۰ میلیونی بخرد؟» که مسئولان به کی بود کی

بود من نبودم پرداختند. بخشی از سخنرانی آقا برای بچه‌های انقلابی کف

خیابان و لباس شخصی بود. ایشان فرمودند: «من از جوانان انقلابی حمایت

می‌کنم، اما نه از کارهای اشتباهشان. مثلاً رفتن بالای دیوار سفارت همیشه

خوب نیست. البته رفتن بالای دیوار سفارت آمریکا در آن زمان خوب بود.»

جمله سنگین افطاری آقا اینجا بود که «اگر شما جوانان زمینه را برای روی

کار آمدن دولت جوان و حزب‌اللهی فراهم کنید، غصه‌های شما تمام می‌شود

و این غصه‌ها فقط مخصوص شما نیست.»

واکنش «پرستویی» به جنجال «بیرانوند»

پرویز پرستویی با انتشار پستی در صفحه

اینستاگرام خود نسبت به رفتار علیرضا

بیرانوند بسا مأمور تی‌سروی انتظامی در

ورزشگاه واکنش نشان داد. پرستویی در

اینستاگرامش نوشت: «وزی که آقای

بیرانوند در برنامه خندوانه و در جاهای

دیگه مصاحبه می‌کرد و از گذشته خود

و مسیری را که طی کرده تا تبدیل به یک دروازه‌بان مطرح بشود و شنیدم

و دیدم، او را تحسین کردم. وقتی با صراحت تمام عنوان کرد که در کارواش

کارگری می‌کرد و شب‌ها هم آنجا می‌خوابید رو خوب یادمه که چقدر برام

دوست داشتی بود و قابل احترام، نهایتاً به یک دروازه‌بان مطرح تبدیل شد

و جایگاه ویژه‌ای در دل مردم ورزش‌دوست پیدا کرد و وقتی در جام جهانی

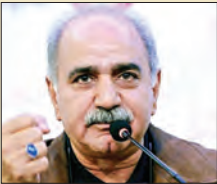
پنالتی رونالدو رو گرفت، چه جایگاهی در عالم ورزش و طرفدارانش پیدا کرد!

آقای بیرانوند عزیز همه این اتفاقات زودگذر دلیل نمی‌شه شما یک مأمور

نیروی انتظامی که در زمین‌های بازی تلاش می‌کنه که امنیت شما حفظ بشه

رو بهوش توهین کنید و چنین و را از سر راهنان کنار بزنید. به نظرم از آن

مأمور انتظامی دلجویی



۲۰۰۳ در بخشی از اعتراف‌هایش گفته بود: «پس از آزادی خرمشهر، ما از کشورهای متحد عرب در جنوب خلیج‌فارس تقاضای کمک مالی سنگین کردیم که با استقبال آنان مواجه شد. من در یک روز چند پرواز به کشورهای عربستان، کویت و امارات داشتم و موفق شدم از این سه کشور قول مساعد ۶/۵ میلیارد دلار کمک مالی دریافت کنم».

فرانسه هم دیگر کشوری بود که به طور رسمی حمایتش از عراق را اعلام کرد. «کلود شسون»، وزیر خارجه وقت فرانسه در مصاحبه با یکی از رسانه‌های کشورش می‌گوید: «انقلاب ایران بسیار خطرناک و نگران‌کننده است و می‌تواند تمام منطقه را در جنگی

گسترده درگیر کند و به این لحاظ ما از عراق در برابر توسعه‌طلبی‌های ایران حمایت می‌کنیم». طبق گزارش

رسانه‌های فرانسوی، پس از آزادسازی خرمشهر خط هوایی پاریس- بغداد برای انتقال تسلیحات فرانسوی

به عراق برقرار شد. یکی از رسانه‌های فرانسوی در این باره نوشته بود: «چون هواپیماهای نظامی عراق کفایت

نمی‌کردند، چند فروند هواپیمای غیرنظامی و ایرباس با برداشتن صندلی تحت پوشش پروازهای غیرنظامی

و خط عادی پرواز پاریس – بغداد به خط انتقال تسلیحات فرانسه به عراق تبدیل شدند. حجم زیاد

سلاح‌ها موجب می‌شد که هواپیماها دو برابر معمول سوخت‌گیری کنند تا بتوانند به بغداد برسند». سازمان

اطلاعات فرانسه هم در گزارشش در این‌باره اعلام کرده بود: «اگر برای سه هفته ارتباط تسلیحاتی ما با عراق

قطع شود مطمئناً عراق شکست خواهد خورد، مستقیم در جنگ در پی خواهد داشت».

پیش‌بینی‌ای که کم و بیش درست از آب درآمد و آمریکا چند روز پس از آزادسازی خرمشهر، به

کشورهای خاشیسه خلیج‌فارس اطمینان خاطر داد که با مداخله در جنگ، اجازه پیروزی کامل ایران

بسر عراق را نخواهد داد. در همین راستا بود که نام عراق را از فهرست حامیان تروریست خارج کرده و

در حرکتی نمادین مجوز فروش ۶ فروند هواپیمای جزییات بیشتر مداخله آمریکا در جنگ ایران و عراق،

بد نیست نگاهي به مصاحبه «حسین کامل» داماد صدام با روزنامه لبنانی «السفیر» در سال ۷۴ بیندازیم:

«در آن زمان، صدام بسیار آشفته بود و فقط با استفاده از داروهای آرام‌بخش می‌توانست استراحت کند. در

همین ایام، فرستاده‌ای به نام ویلیام جانسون به نمایندگی از آمریکا به عراق رفت و با صدام دیدار کرد

و از طرف آمریکا وعده‌ای را مبنی بر اینکه اگر شما مانع پیروزی ایران در جنگ شوید و اگر موفق شوید

توازن جنگ را به نفع خود تغییر دهید، ما کویت را به شما هدیه خواهیم داد. حسین کامل می‌گوید

پس از شنیدن این وعده آمریکا، صدام حسین بسیار خوشحال شد و روحیه‌اش را دوباره بازیافت و گفت

اگر لازم باشد همه ارتش عراق را فدا خواهم کرد تا کویت را به دست آورم».

بته هوایی پاریس – بغداد

خط آمریکا تنها کشوری نبود که پس از آزادسازی

خرمشهر به حمایت علنی از عراق پرداخت. پس از اشغال عراق به وسیله نیروهای آمریکایی در سال

۲۰۰۳، آمریکایی‌ها ۵۵ نفر از نیروهای طرفدار حزب بعث را دستگیر کردند که متن بازجویی برخی از این

افراد همان موقع در رسانه‌ها منتشر شد. وزیر اقتصاد و دارایی رژیم بعث، یکی از افراد دستگیر شده در سال

محمد تربت‌زاده! سخت می‌شود به سوزهای که ۳۰ سال تمام دربارش گفته و نوشته‌اند، پرداخت و درگیر کلیشه‌ها و حرف‌های تکراری نشد. اینکه تمام دنیا یک طرف بودند و ما یک طرف، اینکه صدام آمده بود که صبحانه را در اهواز بخورد و ناهار را در تهران، اینکه در مرحله چهارم عملیات بیت‌المقدس، رزمنده‌ها با مسدود کردن عقبه دشمن از جاده شلمچه و پس از آن ورود به داخل شهر، خرمشهر را پس گرفتند و... اما اجازه بدهید این بار به بهانه سالروز فتح خرمشهر، این ماجرا را از زاویه دید رسانه‌ها نگاه کنیم. البته منظور از رسانه، «رادیو ایران» و صدای ماندگار «محمود کریمی علویچه» با جمله تاریخی «شنودگان عزیز توجه فرمایید! شنودگان عزیز توجه فرمایید! خرمشهر...شهر خون» آزاد شد، نیست! منظورمان زاویه دید رسانه‌های آن طرفی است. مثلاً روزنامه لس‌آنجلس تایمز که فردای آزادسازی خرمشهر می‌نویسد: «راهبر نظامی ایران بر عراق برتری داشته و ایرانیان حملات خود را با نیروی زیاد بر صفوف عراقی‌ها در خوزستان وارد آورده‌اند.

علاوه بر آن، ایرانیان دارای ایثار، از خودگذشتگی و میل به شهادت بوده و با شوقی انقلابی برای آزادی سرزمین‌هایشان می‌جنگند. در مقابل، سربازان عراقی اعتماد به نفسشان را از ابتدای جنگ از دست داده بودند».

ارتش را فدا خواهم کرد

در میان انبوه گزارش‌های راست و دروغی که از آزادسازی خرمشهر در رسانه‌های سراسر دنیا منتشر می‌شد، روزنامه دولتی آلمان پیش‌بینی کرد آزادسازی خرمشهر اگرچه برگ برنده ایران در جنگ خواهد

بود، اما موجب می‌شود دولت‌های غربی بهانه‌ای برای کم‌کردن علنی به صدام حسین پیدا کنند.

برخی از گزارش این روزنامه آمده است: «خطر پیروزی ایران و فروپاشی عراق موجب خواهد شد

تا نظام‌های حاکم بر منطقه خلیج فارس پس از سقوط صدام تهدید شوند و این امر احتمال مداخله

ا بر قدرت‌ها بخصوص آمریکا و شوروی را به صورت مستقیم در جنگ در پی خواهد داشت».

پیش‌بینی‌ای که کم و بیش درست از آب درآمد و آمریکا چند روز پس از آزادسازی خرمشهر، به

کشورهای خاشیسه خلیج‌فارس اطمینان خاطر داد که با مداخله در جنگ، اجازه پیروزی کامل ایران

بسر عراق را نخواهد داد. در همین راستا بود که نام عراق را از فهرست حامیان تروریست خارج کرده و

در حرکتی نمادین مجوز فروش ۶ فروند هواپیمای جزییات بیشتر مداخله آمریکا در جنگ ایران و عراق،

بد نیست نگاهي به مصاحبه «حسین کامل» داماد صدام با روزنامه لبنانی «السفیر» در سال ۷۴ بیندازیم:

«در آن زمان، صدام بسیار آشفته بود و فقط با استفاده از داروهای آرام‌بخش می‌توانست استراحت کند. در

همین ایام، فرستاده‌ای به نام ویلیام جانسون به نمایندگی از آمریکا به عراق رفت و با صدام دیدار کرد

و از طرف آمریکا وعده‌ای را مبنی بر اینکه اگر شما مانع پیروزی ایران در جنگ شوید و اگر موفق شوید

توازن جنگ را به نفع خود تغییر دهید، ما کویت را به شما هدیه خواهیم داد. حسین کامل می‌گوید

پس از شنیدن این وعده آمریکا، صدام حسین بسیار خوشحال شد و روحیه‌اش را دوباره بازیافت و گفت

اگر لازم باشد همه ارتش عراق را فدا خواهم کرد تا کویت را به دست آورم».

شکست پیروز مندان!

برای رادیو بغداد اما انگار اسارت ۱۹ هزار نیروی بعثی، کشته و زخمی شدن ۱۶ هزار نیروی عراقی، انهدام

۵۵۰ تانک و نفربر، ۵۰ خودرو، ده‌ها قیضه توپ، ۵۳ هواپیما، سه بالگرد و... شکست به حساب نمی‌آمد،

چون این شبکه رادیویی یک روز پس از آزادسازی خرمشهر اعلام کرد: «یک سنگنجوی ارتش عراق اعلام

کرده است که نیروهای پیروزمند قادیسه صدام پس

معرفی کتاب

نویسنده ای که وسط موزه، داستان می نویسد



فرهنگ و هنر – خدیجه زمانیان: کتاب «و توی دروازه» داستانی صمیمی و خواندنی از ماجراهای پرسی عزیزدردانه است که به جبهه می‌رود و نه تنها شیپلنت نمی‌کند که فرصت شیپلنت هم پیدا نمی‌کند. «و توی دروازه» رمانی برای گروه سنی نوجوان است که البته هر مخاطبی از خواندن آن لذت می‌برد. عباس سعیدی، نویسنده کتاب اثرش را با زبان و بیانی طنزآمیز نوشته و نشر جemکران آن را منتشر کرده است. جنگ از همان لحظه‌های نخست ورود شخصیت اول به جبهه، روی اصلی خود را نشان می‌دهد. جنگی نابرابر بین اهالی یک روستا با سربازان تا بن دندان مسلح یعنی. «و توی دروازه» داستانی پر از هیجان، تلخی، گلوله، تعقیب و گریز است.

هر چقدر آنچه در داستان رخ می‌دهد تلخ و تحمل‌ناپذیر است، نثر و لحن داستان شیرین و خوش و خواندنی است. و توی دروازه همان‌قدر که مناسب نوجوانانی است که فکر می‌کنند جنگ شوخی بوده، مناسب کسانی است که دوست دارند داندان طنز و خوشمزه بخوانند. عباس سعیدی در نخستین کتابش سراغ موضوع دفاع مقدس آن هم با لحن و بیانی طنزآمیز رفته است. وی در پاسخ به اینکه چرا گونه دفاع مقدس را برای نوشتن انتخاب کرده است، می‌گوید: «از سال‌ها پیش، با مطالعه آثار مهم ادبیات داستانی جهان و ایران، گاهی به این فکر می‌کردم، ما در کشورمان در حوزه ادبیات یک حلقه مفقوده داریم. آن حلقه گمشده، آثار قوی و قابل اثر است که حوزه ادبیات جنگ است. البته بی‌شک تک جرقه‌هایی وجود دارد، اما اندک. شما نگاهی به شاهکارهای ادبی دنیا بیندازید؛ بیشترشان یا از دل جنگ روایت می‌کنند یا از بعد جنگ. حالا هر جنگی. اما این مسئله قابل تأمل است که چرا نویسنده معاصر ایرانی، یا تمایلی به ورود در این حوزه داستانی ندارد یا اگر هم قلمی می‌زند، معمولاً دچار شعارزدگی و ضعف شدید فنون داستان‌نویسی است. این نویسنده در توضیح بیشتر می‌گوید: «همی‌خواهم ادعا کنم «و توی دروازه» میرزا از ایراد است، اما می‌توام بگویم تمام تلاشش را می‌کند که با زبانی ساده و خودمانی، تصویر تازه‌ای از ادبیات جنگ به مخاطب خاص و عام نشان دهد. هر چند زبان این رمان، صرفاً طنز نیست». عباس سعیدی جزو نسلی است که جنگ را ندیده و درک نکرده، البته خودش می‌گوید: «من متولد سال ۷۰ هستم و جنگ ایران و عراق را به چشم ندیدم اما نمی‌توان گفت که آن را «درک» نکرده‌ام».

او در پاسخ به این پرسش که چطور در نخستین تجربه داستان‌نویسی سراغ موضوعی رفته که تجربه ملموسی از آن نداشته است، به محل تولدش اشاره می‌کند: «من ساکنان استانی هستم که لازم نیست برای درک جنگ و جنگ‌زدگی، حتماً متولد دهه ۴۰، ۳۰ و یا ۵۰ باشیم. جنگ هنوز در کوچه پسکوچه‌های آبادان حضور دارد. جنگ هنوز هر روز سازه را بر خرمشهر می‌آندازد. جای ندان‌های جنگ، هنوز روی تن خوزستان قابل مشاهده است. اینجا نیازی نیست هزینه کنید و به موزه دفاع مقدس بروید! شما اینجا، وسط موزه هستید». وی تجربیات نوشتن این کتاب را مدیون زمانی می‌داند که در دوران خدمت سربازی، عکاس گروهی بوده که وظیفه‌شان ثبت و ضبط خاطرات شهدا بوده است. او می‌گوید: «در زمان خدمت سربازی، مدتی سرباز امور اجتماعی هنگ مرزی دشت آزادگان و هویزه بودم. یکی از فعالیت‌های این ارگان، ثبت خاطرات شهدا، آزادگان و بازماندگان شهرستان سوسنگرد و هویزه بود. به‌صورت هفتگی و ماهانه به منزل این عزیزان می‌رفتم و مصاحبه تهیه می‌کردیم. من عکاس این گروه بودم و هر شب یک روایت تازه، صدقانه ، پر حرارت می‌شنیدم. روایت‌هایی آمیخته با درد و افتخار. این جلسات، کمک بسیاری به شکل‌گیری کتاب «و توی دروازه» کرد. سعیدی در پاسخ به این پرسش که با توجه به این مسئله چطور دست به نوشتن در این نوع ادبی زده است، می‌گوید: «تمام تلاش‌م در نگارش این رمان این بوده که یک فرم نو بیافرینم». به اعتقاد او شاید رمان دفاع مقدس با زبان طنز خلق شده، اما آنچه در زمینه طنز دفاع مقدس وجود دارد، آثار قابل دفاعی است. او البته در خصوص آثار طنز موجود بیشتر از این صحبت نکرده، چون معتقد است همه آثار موجود را نخوانده است و از طرفی هم نمی‌خواهد به‌عنوان یک نویسنده جوان، زبان انتقاد به خیلی‌ها را از طریق خود بکند و ترجیح می‌دهد اگر ادعایی مبنی بر فرم و زبان رسا می‌کند، آن را در قالب داستان‌هایش نشان دهد.

مریم اسلامی از «گوزن در کافی شاپ» می‌گوید

شعر سپید، قالب محبوب نوجوانان است



صبا کریمی: کتاب «گوزن در کافی شاپ» به قلم مریم اسلامی، شاعر کُودک و نوجوان، در حمایت و حفاظت از محیط زیست، ویژه گروه سنی نوجوان سروده شده است. قالب اشعار مجموعه سپید است و گاهی با زبانی تلخ و برنده راوی یک تراژدی بزرگ در بطن زندگی و طبیعت است. زبان نیش‌دار آن بارها به انسان و قصور او نسبت به طبیعت طعنه می‌زند و بی‌آنکه لب به نصیحت بگشاید، وجدان آدمی را رویه‌روی خودش و در معرض قضاوت قرار می‌دهد. کتاب «گوزن در کافی شاپ» برای گروه سنی «د» و «ه» از سوی انتشارات فنی ایران، کتاب‌های نرذبان منتشر شده است که حاوی اشعار و تصاویری درباره محیط زیست، گرم شدن کره زمین و آلودگی رودخانه‌هاست. او درباره انگیزه خود از بسروندن «گوزن در کافی شاپ» در قالب شعر سپید می‌گوید: این کتاب برای گروه سنی «د و ه» است که مشخصاً شامل دوران راهنمایی و دبیرستان می‌شود. اتفاقاً نوجوانان با قالب‌های شعری بخوبی آشنا هستند و این سبک شعری را خیلی دوست دارند و حتی می‌توان گفت سلیقه شعری آن‌ها بیشتر به سمت شعر سپید حرکت کرده است. به نظر من نوجوانان این سبک شعری را خوب می‌شناسند و خیلی خوب هم با آن ارتباط می‌گیرندوی درخصوص اینکه در این مجموعه نگاه واضح اجتماعی نداشته است، نیز می‌گوید: واقعیت این است که اگر بخواهیم کلام ما تأثیرگذار باشد، باید از آموزش‌های مستقیم و مستقیم‌گویی پرهیز شود. یکی از کارکردهای هنر این است که منظورش را خیلی مستقیم بیان نکند، بلکه در وهله نخست مخاطب از آن لذت ببرد و در پس از آن تلاش کنیم عاطفه مخاطب را با آن در گیر کنیم.

گفت‌وگوی قدس با مجتبی کشاورز تهیه‌کننده ویژه برنامه رضانی شبکه یک

«دعوت» به خانواده، سر سفره افطار



تلویزیون بنشیند، یکی از غلط‌ترین کارهای ممکن است. کار بازیگر، بازیگری است نه اجرا و اگر اجرا می‌کند باید برای کارش دلیل داشته باشد. روحانی هم روحانی است، ما از آقای برمایی به خاطر روحانی بودنش استفاده نکردیم. برای اجرا باید دلیل داشته باشیم و ما برمیانی خواسته و هدفمان به یک کارشناس خانواده برای راهبری گفت‌وگوهای برنامه نیاز داشتیم. آقای برمایی، کارشناس مسائل خانواده است، تجربه کار در رسانه دارد و در راستای موضوعات برنامه، تخصص و تجربه دارد. انتخاب ایشان برای برنامه به‌خاطر روحانی بودنشان نبود. ما می‌خواستیم که کارشناس برنامه حتماً مدیوم تلویزیون را بشناسد، چون برنامه زنده بود، ضمن اینکه آقای برمایی در سال‌های پیش، کارشناس همین برنامه بودند.

♦ **برای انتخاب زوجین و خانواده‌ها به موضوع فراوانی و تنوع هم توجه می‌کنید؟**
ما تلاش کردیم از زوج‌هایی دعوت کنیم که انتقال تجربیات خوب را داشته باشند. ابتدا موضوع را انتخاب می‌کنیم و براساس موضوع، زوج‌ها انتخاب می‌شوند. این‌طور نیست که زوجی را پیدا کنیم و با داستان آن‌ها پیش برویم بلکه هر برنامه، موضوع مشخصی دارد و با توجه به آن موضوع، مصداق عینی آن را در جامعه پیدا می‌کنیم. مثلاً دختری که توغفات پایین در شرایطی که مسائل مالی مطرح است، ازدواج می‌کند یا خاخمی که در محیط کار

است، رسانه قرار است گاهی ما را سرگرم کند و گاهی هم برآیمان جنبه آموزشی و انتقال تجربیات داشته باشد. برنامه دعوت بنا دارد آموزنده باشد، اما قرار نیست کلاس درس باشد

♦ **انتخاب حجت‌الاسلام برمایی به عنوان مجری کارشناس برنامه بر چه اساسی بود؟**
با توجه به اینکه محدودیت زمانی داشتیم، یعنی پیش از برنامه ما خبر ۱۹ پخش می‌شد و پس از برنامه هم به لحظات آنان نزدیک می‌شدیم، زمان کمی برای برنامه داشتیم. بهترین تصمیمی که برنامه دعوت یک برنامه پژوهش محور و تحلیلی است که همه فرآیندهای برنامه را تیم پژوهشی و نویسنده مشخص می‌کنند. موضوعات برنامه از پیش استخراج می‌شود و آن را با شبکه مطرح می‌کنیم. پس از آن، گروه پژوهشی با توجه به موضوع برنامه، سوره‌های مسد نظر را متن جامعه پیدا می‌کند و تجربه‌های آن‌ها را در اختیار بینندگان برنامه می‌گذاریم.

♦ **به باور یکی از کارشناسان، این برنامه بیش از اینکه یک تاک شو باشد، به کلاس درس برای بهتر زندگی کردن تبدیل شده است.**
نمایش از کلاس درس نمی‌گذارم. تلویزیون قرار نیست کلاس درس باشد، تلویزیون ذاتاً یک دانشگاه

♦ **ولی برای معرفی آقای آقایی برمایی از عنوان مجری کارشناس استفاده می‌شود؟**
دیگر از چنین عنوانی برای ایشان استفاده نمی‌شود.

ا فرهنگ و هنر/ زهره کهندل: حال و هوای برنامه‌های تلویزیون در ماه مبارک رمضان، طراوتی معنوی به خود می‌گیرد. چند سالی است که شبکه یک، ویژه برنامه افطاری «دعوت» را به تهیه‌کنندگی «مجتبی کشاورز» روی آنتن می‌برد. این برنامه که سال‌های گذشته در ایام ماه رمضان با اجرای نیما کریمی روی آنتن می‌رفت، امسال با تغییراتی در اجرا و رویکرد همراه بود. حجت‌الاسلام محمد برمایی که سالال گذشته در این برنامه به عنوان کارشناس روبه‌روی مردم قرار می‌گرفت، امسال با حذف مجری از برنامه، بار اجرا را هم به دوش می‌کشد، اما به گفته تهیه‌کننده، برمایی در نقش مجری در این برنامه ظاهر نشده و قرار هم بر این نبوده است. میهمان‌هایی که ما به امروز به این برنامه دعوت شده‌اند، بیشتر از میان مردم انتخاب شده‌اند و داستان زندگی‌شان رویکرد اجتماعی داشته است. آن‌ها روبه‌روی حجت‌الاسلام برمایی می‌نشینند و از فرار و نشیب‌های زندگی و نحوه برخورد با چالش‌هایشان می‌گویند. با توجه به تغییر رویکردی که برنامه «دعوت» داشته با مجتبی کشاورز، تهیه‌کننده برنامه گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید:

♦ **اهمیت و ضرورت ساخت برنامه تلویزیونی دعوت چه بود؟**

دعوت، برنامه‌ای با تجربه چندین ساله بود که باید به بلوغ محتوایی می‌رسید. از سوی دیگر، ماه مبارک رمضان زمانی است که به خاطر لحظات افطار، خانواده‌ها دور هم جمع می‌شوند و این توفیق اجباری از زیبایی‌های این ماه عزیز است. به همین دلیل تلاش کردیم موضوع برنامه را با توجه به بحث روز جامعه، معطوف به مسائل خانواده کنیم. طرح را به شبکه یک ارائه دادیم، شبکه استقبال کرد و مدیران حمایت کردند. شدیم برنامه افطار شبکه یک با محوریت امید در خانواده ایرانی و سبک زندگی ایرانی اسلامی.

♦ **میهمانان برنامه چطور شناسایی می‌شوند؟**
برنامه دعوت یک برنامه پژوهش محور و تحلیلی است که همه فرآیندهای برنامه را تیم پژوهشی و نویسنده مشخص می‌کنند. موضوعات برنامه از پیش استخراج می‌شود و آن را با شبکه مطرح می‌کنیم. پس از آن، گروه پژوهشی با توجه به موضوع برنامه، سوره‌های مسد نظر را متن جامعه پیدا می‌کند و تجربه‌های آن‌ها را در اختیار بینندگان برنامه می‌گذاریم.

♦ **به باور یکی از کارشناسان، این برنامه بیش از اینکه یک تاک شو باشد، به کلاس درس برای بهتر زندگی کردن تبدیل شده است.**

نمایش از کلاس درس نمی‌گذارم. تلویزیون قرار نیست کلاس درس باشد، تلویزیون ذاتاً یک دانشگاه

پیشنهاد امروز

نگاهی به کتاب جدید انتشارات «سوره مهر»

«لشکر صلح» برای مخاطب نوجوان

حسن(ع) شد، در این کتاب به صورت روایت داستانی شرح داده شده است. این کتاب به پرسش‌هایی نظیر «چرا امام صلح را پذیرفتند؟»، «شرایط آن زمان چطور بوده است؟»، «کسانی که در لشکر امام حسن(ع) و طرف مقابل بودند، چه کردند؟» و «معاویه چه ترفندهایی به کار برد تا امام حسن(ع) صلح را بپذیرد؟» با زبان و روایت داستانی پاسخ می‌دهد. لشکر صلح در دو بخش کوفه و مدینه نوشته شده است. کتاب با شهادت حضرت علی(ع) و آغاز امامت امام حسن(ع) آغاز می‌شود و به دیگر وقایع تاریخی پس از آن پرداخته شده است.

نویسنده می‌خواسته با نوشتن این کتاب و ارائه یک روایت داستانی، وقایع تاریخی آن زمان توسط مخاطب بهتر درک شود.

لشکر صلح» سال‌ها پیش نوشته و تحویل ناشر شده است، اما به دلایل مختلف انتشار آن سال‌ها طول کشیده و بتازگی وارد بازار کتاب شده است. به گفته تونزده جانی، عنوان این کتاب توسط عزت‌الله الوندی انتخاب شده است که انتخابی هوشمندانه بوده‌است. جعفر تونزنده جانی متولد ۱۳۴۱ در نیشابور و از نویسندگان پر کار حوزه کودک و نوجوان است. کوزه‌های آب، رودکی، امیر اسماعیل سامانی، کمال‌الملک، مردی که کم شده، میهمانی دیوها، مردی که می‌خواست قطار بخرد، سکه پدربزرگ، جادوی دژ، چرا دریا عصبانی شد، افسون زنگ،

کرمی که هیولا شد، بهشت گمشده بابام و النگ و ملنگ عناوین بعضی از آثار منتشر شده این نویسنده است. داستان کودک «خاله نگار و دختر گل‌ها» که توسط نشر شهر قلم منتشر شده است، آخرین اثر این نویسنده است که در نمایشگاه کتاب اخیر رونمایی شد.

مهر: پژوهشگر شناخته شده موسیقی اقوام ایران با اشاره به جای خالی مناجات‌خوانی‌ها و آیین‌های موسیقایی مرتبط با ماه مبارک رمضان، از کم‌توجهی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این حوزه انتقاد کرد. هوشنگ جاوید، مدرس و پژوهشگر صاحبنام موسیقی آیینی و نواحی کشورمان گفت: متأسفانه در سال‌های اخیر شرایط به‌گونه‌ای بوده که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کمترین حمایت را از موسیقی آیینی ما انجام داده است، گویی اینکه مدیران این نهاد دولتی تصمیم چندانی برای حمایت جدی از موسیقی ایرانی نداشته و عمده توجه خود را روی موسیقی پاپ معطوف کرده‌اند. وی ادامه داد: با این حساب انتظاری نمی‌توان داشت که موسیقی رمضان بتواند جایگاه ارزشمندی داشته باشد. وی تصریح کرد: هنوز در شهرستان‌ها فعالیت‌های خوبی در حال انجام است که موضوع مناجات‌خوانی، سحرخوانی و مواردی از این دست را در میان مخاطبان روشن نگه داشته، اما باید باور کنیم که حدود چهار سالی می‌شود جریان حمایت از آثار آیینی توسط نهاد مهمی چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در کمترین میزان خود قرار دارد و این صدا و سیمای استان‌ها و حوزه هنری است که کارهایی را در این عرصه انجام می‌دهند. وی تصریح کرد: اصولاً وزارت ارشاد اکنون تبدیل به جایگاهی شده که برنامه‌ای برای ارتقای موسیقی ایرانی در آن وجود نداشته و بیشتر به یک مجموعه دولتی می‌ماند که با همه موضوعات به شکلی کارمندی برخورد می‌شود.

بر همسرش ارشد است و ما بررسی می‌کنیم که این بالاتر بسودن در خانه هم وجود دارد و می‌تواند بسر زندگی آن‌ها اثرگذار باشد یا نه؟ در موضوع واسطه‌گری درست ازدواج از آقای احمدی دعوت کردیم با کسی که باتی خیر برای ازدواج شده است، ما می‌خواهیم با این برنامه، حرف بزیم و زمانی که قرار است حرف بزیم از موضوع به سوره می‌رسیم و نه از سوره به موضوع.

♦ **و این تفاوت برنامه شما با ماه عسل است؟**
ببینید همه تیم ما، برنامه ماه عسل را یکی از موفق‌ترین تاکشوهای تلویزیون در چند سال گذشته می‌دانند. روزی که قرار بود برنامه را آغاز کنیم، فکر نکردیم که ماه عسل چه می‌کرد یا نمی‌کرد. قرار نبود که مثل ماه عسل بشویم یا نشویم، قرار بود مثل خردمان و فکرمان شویم و نه مثل برنامه دیگری.

♦ **تمام موضوعات و میهمانان تا پایان ماه رمضان مشخص شده‌اند؟**

موضوعات انتخاب شده‌اند و گروه پژوهشی ما، سوره‌ها و میهمانان مرتبط با موضوعات را پیدا می‌کند. این گروه پژوهشی بسیار درست و دقیق با موضوعات برخورد می‌کند و پیش از هر برنامه‌ای، شروع روایت، نقطه فراز و فرود و جمع بندی مشخص است تا ببینند حس کند که در این برنامه، یک حرف و تجربه شنیده است و می‌تواند از آن روایتی که برایش تعریف شده، در زندگی‌اش استفاده کند. ضمن اینکه کارشناس برنامه نیز به راهبری مباحث بسیار کمک می‌کند.

♦ **تیتراژ برنامه هم با صدای سالار عقیلی بسیار ماندگار شده‌است.**

همین‌طور است، تیتراژ برنامه یکی از ماندگارترین کارهای سالار عقیلی است که آوازی برآمده از دل است. مردم از این آواز بسیار استقبال کردند و فضای خوبی به لحظات افطار بخشیده است.

♦ **بازخورد‌های برنامه تاکنون چطور بوده است؟**

بازخورد‌ها بسیار خوب بوده است و اقبالی که به برنامه شده آن‌قدر خوب بود که ما را هم خوشحال کرد. این بازخورد‌ها نشان داد مردم از برنامه‌ای که فرد شده باشند و حرفی برای گفتن داشته باشد، استقبال می‌کنند. با توجه به تماس‌های مردمی به روابط عمومی سازمان و پیامک‌هایی که دریافت می‌کنیم، مهم‌ترین دلیلی که مردم از برنامه رضایت دارند این است که برنامه دعوت، مروج امیدآفرینی در زندگی است. در واقع این برنامه، مسألی را برای مردم یادآوری می‌کند که ممکن است در زندگی روزمره آن‌ها را فراموش کرده باشند.

رادیو و تلویزیون

تلویزیون باید کار را از ریشه درست کند

جای خالی برنامه سازان دغدغه‌مند



برای جایگاه برنامه‌ساز ارزش قائل نمی‌شویم و هر کسی مشارکتی پول با خود می‌آورد قطعاً نیروی درستی انتخاب نمی‌شود و شاهد خطاهایی می‌شویم که بارها در تلویزیون اتفاق افتاده است. و این خطاها و خط‌خوردگی‌هایی که اتفاق می‌افتد از ناشی‌گری در برنامه‌سازی است. وی در پایان درباره افرادی که به سه هر طریقی به عنوان مجری در تلویزیون دیده می‌شوند، گفت: شاید برخی مجریانی که ما از ادبیاتشان گله‌مند هستیم، خیلی مقرر باشند. به هر حال جوای نام و در رؤیاهایشان به دنبال چیزهایی هستند. فکر می‌کنند اگر به رسانه بیایند و ادای آن مجری را در بیاورند همه چیز تمام است، در حالی که اجرا این نیست.

اجرا دنیایی است که در آن یک اقیانوس یکسان وجود دارد و برای آن باید وقت گذاشت و نیرو تربیت کرد، ضمن اینکه از نیروهای قوی استفاده کرد تا مجریانی که صاحب سبک و فرزند رسانه هستند، دوباره برگردند. رسانه برای این حوزه ریش سفیدی می‌خواهد.امیرحسین خرمشاهی تهیه‌کننده قدیمی تلویزیون این روزها برنامه «روز تازه» را در شبکه پنج سیما که یک برنامه صبحگاهی است، می‌سازد.

ایسنا: یک تعزیه‌خوان قدیمی می‌گوید: اگر از سوی مسئولان کم‌کاری نشده بود، می‌شد همانند قدیم در تمام روزهای ماه رمضان، تعزیه در تهران اجرا کرد، اما متأسفانه بهایی به این هنر داده نمی‌شود. مرضی صفریان می‌گوید: در زمان‌های دور تمام ماه رمضان در قهوه‌خانه‌ها تعزیه اجرا می‌شد و چون یک ماه، برنامه بود هم تعزیه‌های دهه محرم اجرا می‌شد و هم تعزیه‌هایی که مربوط به حضرت علی(ع) و جنگ‌های ایشان بود؛ اما اکنون خیلی فرق کرده و نه در قهوه‌خانه‌ها به آن شکل سابق تعزیه خوانده می‌شود و نه در محله شب‌های ماه رمضان. وی که کم‌کاری برای خوانده نشدن تعزیه در شب‌های همچون قدر و مناسبت‌های دیگر را برعهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌داند، می‌گوید: من بارها تأکید کردم‌م وزارت ارشاد باید دست‌کم در چهار گوشه تهران محلی را برای تعزیه فراهم کند تا هم تعزیه‌های غریب اجرا شوند و هم جوان‌هایی که مرتب به ما زنگ می‌زنند و دوست دارند تعزیه یاد بگیرند، صبح‌ها یا در روزهای وسط هفته بتوانند در آنجا تمرین کنند، اما هیچ بهایی به حرف‌های ما داده نمی‌شود. او با بیان اینکه برخی دوستان و همکارانش برای اجرای تعزیه در همین شب‌های قدر به شهرهای دیگر دعوت شده‌اند، تأکید دارد: در تهران بهای لازم به تعزیه داده نمی‌شود، در حالی که نه تنها اجرا بلکه آموزش آن هم خیلی اهمیت دارد؛ چون اکنون شاید چهار یا پنج تعزیه‌خوان قدیمی بیشتر باقی نمانده‌اند و اگر این‌ها هم بروند فکر می‌کنم دیگر تعزیه‌ای نداشته باشیم.

خبر

یک تعزیه‌خوان قدیمی:

بهایی به این هنر داده نمی‌شود

